

ارزیابی کارکرد مدیریت محله‌ای در محله آارات تهران بر پایه نمایه‌های حکمروایی

خوب شهری

محمدتقی رضویان - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی
حمیله توکلی‌نیا - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی
مرتضی قورچی - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی
قهرمان رستمی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۹/۲۴

چکیده

امروزه، بزرگ‌شهرهای ایران همگام با کلان‌شهرهای گیتی با تنگناهایی پرشمار روبه‌رو شده‌اند که از آن میان می‌توان به چالش‌های مدیریت شهری، به ویژه چالش مدیریت متمرکز، نمارش و اشاره کرد. پیرو همین، مدیریت شهری تهران پس از بنیان‌گذاری شورایی محله، به راه‌اندازی الگوی نوین مدیریت محله‌ای روی آورد. این الگو هم‌پوش و منطبق با نمایه‌های حکمروایی خوب شهری است که بیشتر در کلان‌شهرها و برای مدیریت بهتر، نامتمرکز و مردم‌سالارانه شهرها کاربردی شده است. در این زمینه، مقاله پیش رو وضعیت نمایه‌های حکمروایی خوب شهری را در محله آارات از منطقه سه شهرداری تهران بررسی و سنجش می‌کند، تا به کارکرد هر یک از این نمایه‌ها در محله مورد پژوهش پی ببرد. این پژوهش از گونه توصیفی-تحلیلی بوده و ابزار سنجش پرسش‌نامه است که پس از استخراج گویه‌های نمایه‌ها و بهره‌گیری از طیف سنجشی لیکرت، از کارشناسان درگیر مدیریت شهری که ساکن همیشگی محله بودند، پرسشگری شد. در این پژوهش، اندازه نمونه ۲۰ تن (نفر)، روش نمونه‌گیری گزینشی و گونه پژوهش، کاربردی است. یافته‌ها با بهره‌گیری از آزمون پارامتری تی (T Test) برای آزمون گمانه (فرضیه) یکم و آزمون ناپارامتری فریدمن (Friedman Test) برای آزمون گمانه دوم در فضای نرم‌افزاری SPSS تحلیل شده‌اند. بر پایه نتایج مقاله، میان میانگین داده‌ها برای هشت نمایه تحت بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد. این محله، در زمینه کارکرد میانگین مجموعه نمایه‌های حکمروایی خوب شهری، وضعیتی نسبتاً مطلوب دارد؛ ولی از دید کارکرد یک‌به‌یک نمایه‌ها، وضعیتی نامطلوب یا ضعیف دارد، چون بر پایه تحلیل وضعیت مطلوبیت میانگین برای مجموعه نمایه‌های هشت‌گانه، میانگین به‌دست‌آمده در دسته مطلوبیت نسبتاً مطلوب با سطح معناداری کمتر از خطای آماری ۰/۰۰۱ است. در زمینه آزمون گمانه یکم، چون از میان نمایه‌های حکمروایی خوب شهری، مشارکت و پاسخ‌گویی، در میان نمایه‌هایی با بیشترین میانگین رده‌ای جای دارند، بنابراین این گمانه هم در کنار گمانه یکم، هر دو با اطمینان آماری ۹۹٪ پذیرش می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: حکمروایی خوب شهری، کلان‌شهر تهران، محله آارات، مدیریت محله‌ای.

مقدمه و بیان مسئله

دو کنش‌گر رشد و توسعه شتابان کالبدی شهرها و افزایش بی‌رویه جمعیت آنها، مایه پیدایش تنگناهای ناهمگون و ناهمخوان در آنها و آفرینش چالش‌های خرد و کلان برای مدیریت شهری آنها شده‌اند. این نپس یا وضعیت در ایران که یک کشور جهان‌سومی با افزایش بی‌رویه و ناهنجار رشد جمعیت، کوچ گسترده به شهرها و رشد کالبدی کم‌بهره از توسعه کالبدی بوده است، ناگویاتر است. به همین‌گونه، وضعیت مزبور در کلان‌شهر تهران در جایگاه پایتخت و بزرگ‌ترین کانون جاذبه یا رُبایش جغرافیایی کشور در همه ابعاد و فرامون‌های فضایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، خدماتی، دسترسی و... از همه مکان‌های کشور بیشتر و ناگویاتر است. برانداختن و ریشه‌کن کردن چنین تنگنایی که بار آنها بیش از هر سازمان دیگری، بر دوش مدیریت شهری تهران است، به‌تنهایی از توان این مدیریت بیرون است و به گفته‌ای، مدیریت تک‌مرکزی دستوری تهران، توان برچیدن آنها را ندارد؛ از این رو، آنچه از آموزه‌های مدیریت‌های شهرهای همسان در کشورهای دیگر بر می‌آید، روی‌آوری به مدیریت‌های خرد و محلی، به‌ویژه در گستره و تراز کوچک‌ترین یگاهای شهری، یعنی محله‌ها و با بهره‌گیری از پیاده‌سازی نمایه‌های «حکم‌روایی شهری»^۱ است. به دید نگارنده، مدیریت شهری در شهرهای کلان ایران؛ به‌ویژه کلان‌شهر تهران، در سه تراز رسمی و یک تراز نارسمی انجام می‌گیرد. ترازهای رسمی، مدیریت شهری مرکزی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای‌اند و تراز نارسمی، همانا «مدیریت محله‌ای»^۲ است.

امروزه مدیریت شهرها؛ به‌ویژه کلان‌شهرها با توجه به پیچیدگی‌های چندگانه ناهمگون در زمینه‌های کالبدی، فرهنگی، کارکردی، زیست‌محیطی و مانند آن، تنها در توان مدیریت متمرکز شهری نیست؛ از این رو، با توجه به پیچیده شدن نظام‌های مدیریت شهری و پویای جامعه به سوی نظام‌های مردم‌سالارانه، ناکارآمدی و گران بودن شیوه مدیریت متمرکز شهری در کلان‌شهرهایی چون تهران، بیش از پیش آشکار شده است و بهره‌گیری از «مدیریت پایین‌به‌بالا»^۳ و مردم‌نهاد که در آن گذار به سوی حکم‌روایی خوب شهری به‌روشنی پدیدار شود، نیازی بنیادین است. بنابراین، بیشتر شدن نارسایی‌ها در بزرگ‌شهرهای ایران، به‌ویژه کلان‌شهر تهران و ناخشنودی برآمده از آنها، بازنگری در شیوه روانمد مدیریت شهری را بایسته و ناگزیر کرده است. در راستای از میان برداشتن این نارسایی‌ها و دستیابی مدیریت محله‌ای، پافشاری بر مدیریت و توسعه محله‌ها که پایه و توسعه ناحیه‌ها و منطقه‌های کلان‌شهر تهران محسوب می‌شوند، بایسته است. نیاز به دستیابی به این مهم، پیش از هر چیز، سنجیده کردن و توسعه دادن «نظام مدیریت و برنامه‌ریزی محله‌ای»^۴ است. بر این پایه و با توجه به نوشته‌های بالا، آشکار می‌شود که بررسی و پژوهش درباره اثرهای نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری بر مدیریت محله‌ای شهر تهران و اثرپذیری این گونه نوین مدیریتی که در کلان‌شهرها نمود دارد و نیز شناسایی این اثرها و پرننگی و کم‌رنگی آنها در محله‌های پهنه‌های دیگرگون فضایی شهر، یک بایستگی است که باید به آن پرداخته شود.

1. Urban Governance
2. Community Management
3. Bottom-up Management
4. Community Management and Planning System

فرگشت و دگردیی در نظام مدیریت شهری ایران، نیازی ناگزیر برای سیاست‌گذاران و کنش‌گران فضای تصمیم‌گیری کلان در کشور است. بر پایه‌ی رویکردهای پذیرفتنی، روی هم رفته، آنچه در این زمینه نیاز است، پیگیری سیاست‌های کلان کشور در زمینه‌ی تمرکززدایی، واگذاری کارها، گسترش لایه‌های محلی نظام مدیریت سرزمین و نیز به وجود آوردن پایداری مالی در اداره‌ی امور محلی در کشور است (هاشمی، طاهرخانی و بصیرت، ۱۳۹۰: ۱۴۶). پیرامون نظام مدیریت شهری در ایران، خرده‌گیران بسیاری با دیدگاه انتقادی آن را به چالش کشیده‌اند. در این زمینه، سعیدنیا (۱۳۷۹)، می‌گوید که مدیریت شهرها در ایران شکافی ژرف با حکم‌روایی شهری دارد و مدیریت شهری در کشورهای اروپایی که در جایگاه دستگاه حاکمه [شهر] کردار می‌کند، با مدیریت شهری در ایران که اداره‌ی نگهداری و پاسداشت شهر است، از ریشه دگرگون است. به همین دلیل، در یکی دو دهه‌ی گذشته، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای کارگزار در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در گستره‌ی جهانی، بر فراگیر کردن نگرش مشارکتی برای فراگیر کردن گونه‌ای از رهیافت مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» انگشت گذاشته‌اند. هدف از این رهیافت، توجه به توانمندسازی جامعه‌های محله‌ای برای پایش کنش‌های توسعه‌ای بوده است (حاجی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۹).

تهران که نقشی بنیادین در بالندگی و پیشرفت کشور دارد، امروزه به شونده (دلیل) تنگناها و چالش‌های فراوان اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی و زیست‌محیطی، به آستانه‌ی بحران مدیریتی رسیده است. آنچه بیش از هر چیزی دیگر در این سرنوشت دارای ارج و ارزش بوده و است، نظام سیاسی مدیریتی چیره بر آن است؛ به گونه‌ای که امروزه جستار مدیریت این شهر به یکی از پیچیده‌ترین جستارهای توسعه‌ی شهری کشور دگریده شده است (سیاف‌زاده و بدری‌فر، ۱۳۸۷: ۳۸). در زمانه‌ی کنونی، راه‌اندازی شوراهای اسلامی شهرها از سال ۱۳۷۷ این فرصت را فراهم آورده است تا در برخی از شهرها مانند تهران، سنج و تربت حیدریه، مدیریت محله‌ای ارج گذاشته شود (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۳: ۸۹). با این روی، با پیدایش پیایی و یکی پس از دیگری پیچیدگی‌های نظام شهری و همچنین مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران، در دهه‌ی گذشته، شهرداری تهران به ناچار و در نمونه‌هایی انگشت‌شمار، از روی اراده و اختیار خود به بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی در تراز خرد فرصت‌هایی داده است تا بتوانند بسته به توان خود، در فرایند مدیریت شهری شرکت جویند. راه‌اندازی نهاد شورایی و جای‌دهی آن در سراهای محله و برگزیدن مدیر محله در همه‌ی محله‌های تهران و نگاشت و پیاده‌سازی بسیاری از رویکردهای فرهنگی، مشارکتی، مردم‌گرایانه و... دلیل شده است تا کورسوهایی از سیاست‌های برآمده از حکم‌روایی شهری، در درون مدیریت شهری تهران پا بگیرند.

مدیریت محله، نزدیک‌ترین تراز از مدیریت شهری است که با زندگی شهری شهروندان بیشترین برخورد و پرماس را دارد. در مدیریت محله‌ای، هدف والا، درکشیدن بیشتر مشارکت شهروندان برای کم کردن یا ریشه‌کن کردن چالش‌های محله‌ی خود و بهره‌گیری از اندیشه‌ی شهروندان و ظرفیت‌ها و سررشته‌هایی است که در محله وجود دارد. مدیریت محله‌ای در ایران بیشتر «در چارچوب شورایی‌ها» شناسایی شده است. شورایی‌ها نزدیک‌ترین یکای مدیریت شهری به مردم محسوب می‌شوند؛ به گونه‌ای که می‌توانند از سویی با شوراهای شهری و از دیگر سو با شهرداری پیوند داشته باشند (غفاری، ۱۳۹۲: ۱۹۸-۱۹۷). بنابراین، مدیریت شهری برای پیش‌گذاری خدمات بهتر، به ناچار کارگزار بهره‌گیری از توان مشارکتی شهروندان، به‌ویژه در گستره‌ها و ترازهای محله‌ای است (جمشیدزاده، ۱۳۸۳: ۹۸) که در چارچوب الگوی مدیریت محله‌ای انجام می‌گیرد.

بی‌گمان، با توجه به اینکه ارزشمندترین اصل‌های راه‌اندازی مدیریت محلی، ریشه در حکمروایی خوب شهری دارند، در این بررسی، کارکرد نمایه‌های حکمروایی خوب شهری در جایگاه نوین‌ترین الگوی مدیریتی خرد و مردم‌سالارانه شهری در سراسر جهان، در مدیریت محله آارات که یکی از محله‌های منطقه ۳ شهرداری تهران است، بررسی و سنجش می‌شود. از این رو، چون چالش پایه‌ای پژوهش مزبور، بررسی و تحلیل الگوی مدیریت محله‌ای بر پایه نمایه‌های حکمروایی خوب شهری است، نمایه‌های هشت‌گانه این گونه از حکمروایی که از سوی نهادهای بین‌المللی پردازنده به مدیریت شهرها پیش‌گذاری شده و در گستره جهانی از سوی نهادها و سازمان‌های در پیوسته (مرتبط) پذیرفته نیز شده است، سنجش بررسی و تحلیل الگوی مدیریت محله قرار گرفته‌اند. در این زمینه، پژوهش پیش رو در پی آزمودن دو گمانه پژوهش است:

۱. محله آارات در زمینه کارکرد نمایه‌های حکمروایی خوب شهری، وضعیتی درخور دارد.
۲. از میان نمایه‌های حکمروایی خوب شهری، مشارکت و پاسخ‌گویی، کارکرد بیشتری در مدیریت محله‌ای در محله آارات دارند.

ادبیات نظری پژوهش

حکمروایی خوب شهری و کلان‌شهر تهران

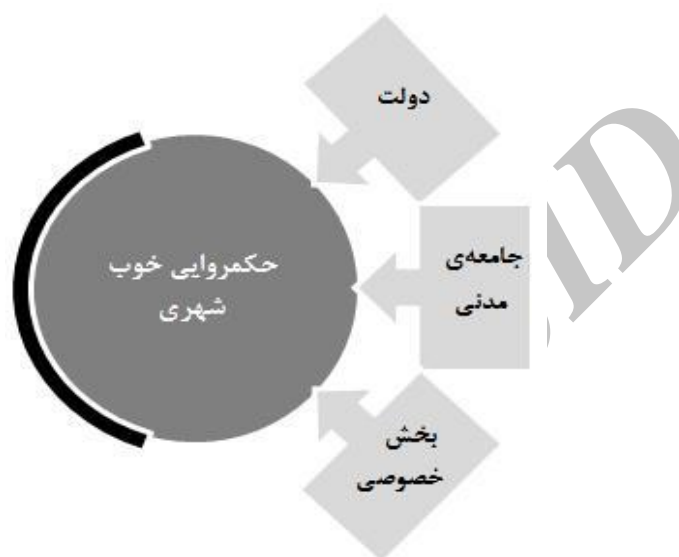
حکمروایی، کنش یا شیوه حکومت کردن یا کارکرد حکومت است (لشکرزاده، ۱۳۹۰: ۲۰). در دانشنامه شهر (۲۰۰۵)، حکمروایی، روش به‌کارگیری توان مردم به معنای سیاست‌سازی و پیاده‌سازی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری همگانی شناخته شده است (جهانشاهی، ۱۳۸۶: ۴۶). پویش جهانی حکمروایی خوب شهری^۱ از سوی زیست‌بوم سازمان ملل^۲ بر «شهر فراگیر» به مثابه درون‌مایه مورد نظرش انگشت می‌گذارد و شماری از سنجش‌ها و اصل‌های راهنما مانند مشارکت، تمرکززدایی، برابری، هم‌گرایی، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری در برابر جامعه مدنی، کارایی در پیش‌گذاری خدمات، پایداری و امنیت را شناسایی می‌کند (Taylor, 2000: 89). در بیشتر موردها، حکمروایی، سه گروه از بازیگران را در بر می‌گیرد: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی (Dekker, 2004: 156). هدف بنیادین حکمروایی، برانگیختن کنش دوسویه سازنده میان این سه بازیگر است (برک‌پور، ۱۳۸۱: ۴۱) (نگاره ۱).

حکمروایی شهری، هنگامی خوب است که کارساز باشد. این حکمروایی باید مشارکتی، شفاف، پاسخ‌گو و برابری‌خواه باشد و مقررات قانونی را به کار گیرد. فرایندی است که به دست دولت رهبری می‌شود، ولی با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی به پیش می‌رود. مشارکت و هم‌کنشی سازنده هر سه بخش مزبور، برای دستیابی به توسعه انسانی ناگزیر است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۵۰). این حکمروایی، برای مدیریت شهری ایران، به‌ویژه در بزرگ‌شهرها یک نیاز بنیادین است؛ چون «کلان‌شهرهای کنونی کشور، دیگر آن شهرهای دیرین نیستند که سادگی وابستگی‌ها و رابطه‌های اجتماعی

1. WCGUG (World Campaign of Good Urban Governance)

2. UN Habitat

و بدهستان‌های اقتصادی، ویژگی پایه‌ای و برتر آنها باشد؛ بلکه در پنداره فراگیر، شهرهایی پیچیده و درهم‌تنیده‌اند» (حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۴) که برداشتن یا کاستن تنگناها و چالش‌های برآمده از این پیچیدگی و درهم‌تنیدگی، نیازمند مدیریت کارآمد و بهینه شهری است. چنین مدیریتی، آن‌گونه که بسیاری از کارشناسان باور دارند، بدون وابستگی به حکمروایی خوب شهری و بهره‌گیری از نمایه‌های آن، ناتوان از انجام درست وظیفه خود است (Hickey & Beall, 2001; Kakarala, 2004; Mohan, 2004; گیدنز، ۱۳۷۸؛ صرافی، ۱۳۸۰؛ و حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۰).



نگاره ۱. حکمروایی خوب شهری، ستانده سه بُن‌پاره بنیادین است - بُن‌مایه: نگارندگان

به راستی، «یکی از چالش‌های برجسته مدیریت شهری در ایران، رومندی و مقبولیت مردم‌سالارانه است» (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۲۱). تنها از راه دستیابی به این رومندی مردم‌سالارانه است که حکومت شهری می‌تواند قدرت و اختیارهای لازم و نیز پشتیبانی سیاسی و اقتصادی شهروندان را به دست آورد (همان، به نقل از مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۲). با توجه به آنکه امروزه تازه‌ترین رویکرد برای مدیریت شهرها، «حکمروایی خوب شهری» است و دیگر نمی‌توان با پشت دادن به قدرت و رومندی دولتی و با وابستگی به راهبردهای بالا به پایین حکمرانی، شهرها و به‌ویژه کلان‌شهرهایی را که سرشار از گوناگونی‌ها، پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی‌های چندگانه در زمینه‌های دیگرگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آنند، اداره و مدیریت کرد، از این رو، یگانه راه برجای‌مانده برای مدیریت بهینه، شایسته، کارآمد و برابری‌خواه کلان‌شهری چون تهران، بهره‌گیری از پشتوانه مردمی و نهادهای مدنی در همه فرایندهای مدیریت شهری است. از این رو، کلان‌شهر تهران نمی‌تواند جدا از فرایند و چرخه گذار مدیریت متمرکز به مدیریت نامتمرکز، هم‌پوش با حکمروایی خوب شهری باشد.

مدیریت محله‌ای و کلان‌شهر تهران

مدیریت محله‌ای، سازمانی است محلی و سازمان‌یافته از بازیگران رسمی و غیررسمی زندگی محله‌ای، با هدف مدیریت محله در راستای هدف‌های مدیریت شهری (پورعاشور، ۱۳۹۰: ۱۴). در چند دهه گذشته، توجه به مشارکت اجتماعی شهروندان در اندازه‌ها و فرآیندهای گوناگون، به‌ویژه در تراز محلی نگاه مدیران شهری را درکشیده است؛ زیرا باور بر این است که مدیریت محلی می‌تواند امکان پیگیری خواست‌ها و نیازهای محله‌ها را در گروه مدیریت شهری به دیسه یا شکل بهتری انجام دهد و فرصت هم‌کنشی، مشارکت و پویاسازی بیشتر شهروندان را فراهم آورد و محله می‌تواند بستری برای مفهوم‌پذیر شدن جستارهایی چون هم‌بستگی، بردباری و مشارکت باشد. مدیریت محله‌ای که دارای توان پردازش ساختارهای نوین، ایستار و جایگاهی نو و راهبردهای پویا است، ساختاری برای شکوفاشدن توانمندی‌های کنش‌گران اجتماعی است و می‌تواند به پشتوانه ساختار اجتماعی خود، پیوندهای نوینی را برای ورود کنش‌گران تازه بیافریند (همان: ۶۳۳).

امروزه دگرذیسی و دگرگونی در مدیریت شهری با درپیش‌گیری مدیریت نو، دربرگیرنده اداره امور شهر برای رشد پایدار پهنه‌های شهری در گستره و تراز محلی است. این روش نوین مدیریت شهری با انگشت‌گذاری بر جامعه‌های محلی را می‌توان بخشی ناگسستنی از تمرکززدایی در سال‌های واپسین دانست (رضویان، ۱۳۸۱: ۴۶). با توجه به روال ناپایدار کنونی توسعه در کشورهای جهان سوم، به یک دگرگونی درون‌مایه‌ای در دل مدیریت شهری نیاز است و این دگرگونی باید از کوچک‌ترین یکای در گستره شهر انجام گیرد، تا رسیدن به توسعه پایدار و زنده‌سازی نقش محله در هم‌بستگی‌های اجتماعی و آفرینش جامعه مدنی، به سرانجام برسد. محله در گستره زندگی شهری در سنت شهرنشینی ایرانی نقشی برابر با انجمن‌های مردم‌نهاد در گستره اجتماعی را دارا بوده و در دوره کنونی با جذب مشارکت‌های شهروندان در چارچوب فعالیت‌های خودانگیخته، می‌تواند به بُن‌پارهای برای توان‌بخشی جامعه مدنی دگریده شود، تا از خردشدن جامعه پیشگیری کند (سجادی، یاری‌قلی و کلانتری، ۱۳۹۲: ۵۸). نگرش محله‌محوری به دنبال برخورد با چالش‌های شهری برآمده از پیاده‌سازی برنامه‌های از بالا به پایین و باور بر اینکه کلید توسعه پایدار و برانگیختن توسعه در گستره محله است، آغاز گردید (همان، به نقل از اوانا، ۱۳۹۲: ۶۴). از میانه دهه ۱۹۸۰ تا کنون، مدیریت شهری به گونه شایسته، بر ظرفیت‌سازی محلی، توان‌بخشی رویکرد نهادی-سازمانی و در پایان گذار از گونه‌ای مدیریت متمرکز به مدیریت محلی توجه کرده است. بنابراین، نیاز به بهره‌گیری از ظرفیت‌های محله‌ها و بازشناسی نقش بازیگران و کنش‌گران مدیریت شهری، به بهره خود، به ریخت‌یابی و راه‌اندازی الگویی نو از مدیریت شهری در گستره محله‌ها به نام «مدیریت محله‌محور» انجامیده است (نوریان و مظفری‌پور، ۱۳۹۲: ۴۷).

کلان‌شهر تهران سازمان‌یافته از محله‌ها، یعنی کوچک‌ترین یکاهای بخش‌بندی‌های شهری است. این یکاهای کوچک، در دو دهه واپسین، با ناتوانی مدیریت شهری در اداره امور شهری دست به گریبان بوده‌اند (ساسان‌پور، ۱۳۹۰: ۴۷۸). در سال‌های گذشته، مدیریت شهری تهران، برای اداره هر چه بهتر این شهر و کاستن چالش‌ها و نارسایی‌های شهروندان، دست به پیاده‌سازی الگوی مدیریت محله در گستره شهر تهران زده است. مدیریت محله‌ها، در جایگاه برجسته‌ترین گونه مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی، دارای مدیریت نامتمرکز، مشارکتی یا هم‌کنشی است (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۲).

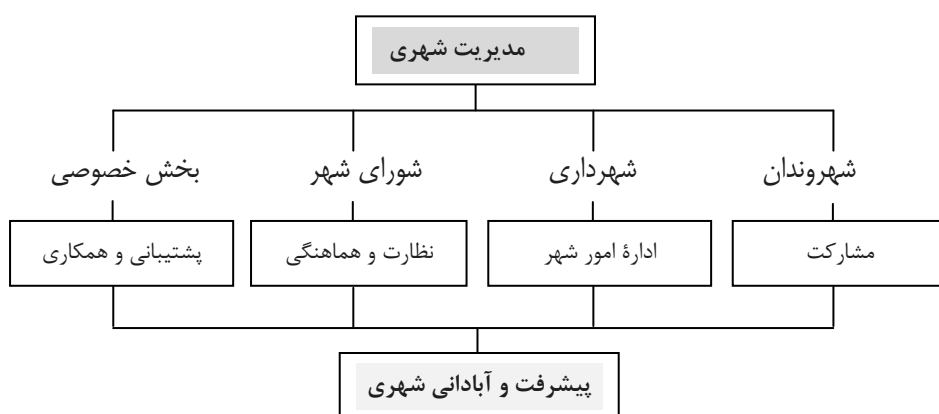
مدیریت کلان‌شهر تهران با پیاده‌سازی «الگوی مدیریت محله» در محله‌های شهر تهران که با هدف سپردن امور فرهنگی و اجتماعی در گستره‌ی محله به خود شهروندان محله‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت مشارکت و توانمندسازی شهروندان انجام گرفته است، فرصت دیگری را برای هم‌کنشی دل‌بستگان به امور شهری در گستره‌ی محله‌ها و شکوفایی توانایی محله آماده کرده است. این الگو که نخستین بار در چارچوب دستورکار مشارکت‌های اجتماعی در محله‌های شهر تهران به پذیرش شورای اسلامی شهر تهران رسید، در آغاز در سال ۱۳۸۸ در چندین محله‌ی تهران به دیسه‌آزمایشی و سپس در سال ۱۳۹۰ به گونه‌ی رسمی و فراگیر در همه‌ی محله‌های شهر پیاده‌سازی شد. دستورکارهای مشارکت‌های اجتماعی در محله‌های شهر تهران، محله را بستر پیاده‌سازی الگوی مدیریت محله دانسته و برای سازمان‌دهی مشارکت‌های اجتماعی، برنامه‌ی ساخت «سراهای محله» را پیاده‌سازی کرده است (غفاری، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۵). بر این پایه، شهرداری تهران «راهبرد مدیریت محلی» را در برنامه‌ی کاری خود جای داده است. از این رو، با هدف به بار نشستن فرایند تمرکززدایی، انگشت‌گذاشتن بر جامعه‌های محلی را به عنوان بخش بنیادین این فرایند پذیرفته است. به همین دلیل، کوشش شده با هدف جذب مشارکت‌های مردمی و تمرکززدایی، در ۳۷۴ محله‌ی شهر تهران، مدیریت محله راه‌اندازی شود تا به این گونه، شهرداری از یک سازمان خدماتی به یک نهاد اجتماعی تبدیل شود (همان: ۱۱۸).

رابطه حکم‌روایی خوب شهری و مدیریت محله‌ای

«در الگوی حکم‌روایی خوب شهری، محله‌ها کارکرد بازپخش اجتماعی سازوکارهای نوین قدرت را با آفرینش زمینه‌ی پیدایش کارگزاران دیگری از بخش‌های خصوصی و مردمی فراهم می‌آورند و بستر بهینه‌ای برای ریخت‌یابی سرمایه‌ی اجتماعی^۱ می‌آفرینند که همان شبکه‌هایی از نهادهای خودانگیخته و انجمن‌های داوطلبانه‌ی آینده از اعتماداند» (خسروی، ۱۳۹۱: ۷۰۲). مدیریت محله‌ای زمینه‌های فرایند افقی هم‌کنشی نهادها و بازیگران «حکم‌روایی خوب شهری» را فراهم می‌آورد. به این شیوه، در نگرش حکم‌روایی شهری پایبند به مدیریت محله‌ای، گروهی از بازیگران و نهادها، در پیوند شبکه‌ای و نه پایگانی، به شکل افقی، یک پیکربندی فضایی- اجتماعی را ریخت می‌دهند که زمینه‌ی پیدایش رشد فرهنگی را می‌آفریند (الوانی، ۱۳۸۸: ۵).

بن‌پاره‌های (عناصر) مدیریت شهری و مدیریت محله‌ای

عبداللهی و صرافی (۱۳۸۷: ۱۳۰)، مدیریت شهری را سازمان‌یافته از چهار بُن‌پاره می‌دانند، دربرگیرنده: ۱. شهروندان؛ ۲. شهرداری؛ ۳. شورای شهر و ۴. بخش خصوصی. هر یک از این بُن‌پاره‌ها، دهنادین و به‌ترتیب وظیفه‌ی «مشارکت»، «اداره‌ی امور شهر»، «نظارت و هماهنگی» و «پشتیبانی و همکاری» را انجام می‌دهند. برآیند همکاری این بُن‌پاره‌ها در چارچوب مدیریت شهری، پیشرفت و آبادانی شهر است. بُن‌پاره‌های مدیریت شهری و برآیند یا برون‌داد آنها در نگاره‌ی ۲ پدیدار است.



نگاره ۲. نقش عناصر مدیریت شهری - بن‌مایه (عبداللهی و صرافی، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

نگاره بالا نشان می‌دهد که شهروند یا به گفته‌ای، جامعه مدنی یکی از پایه‌های بنیادین مدیریت شهری است و اگر مدیریت شهری به شهروندی که برای آسایش وی شهر مدیریت می‌شود، توجه نکند یا به شیوه‌ای او را از مشارکت در فرایند یا چرخه مدیریت شهر خود دور نگه دارد، نخواهد توانست مدیریتی برابری‌خواه و مردم‌سالارانه باشد. مدیریتی که با مردم و شهروندان بیگانه باشد، نه روانندی اجتماعی دارد و نه از پشتوانه اجتماعی برخوردار است.

در همین راستا، بن‌پاره‌های مدیریت محله‌های یک شهر، با بهره‌گیری از بن‌پاره‌های مدیریت شهری با توجه به ساختار و نهش سیاسی - اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مدیریت شهری هر کشور و هر شهر، پدیدار شده و سازمان یافته‌اند. به گفته‌ای دیگر، بیشتر بن‌پاره‌های مدیریت محله‌ای، برگرفته از همان بن‌پاره‌های مدیریت شهری‌اند. بر پایه نگاره ۲، بن‌پاره مشارکت شهروندان و پشتیبانی و همکاری میان مدیریت محله و بخش خصوصی و جامعه مدنی و شرکت مردم محله در اداره شهر و انجام پاره‌ای از کارهای محله با هماهنگی شهروندان، از بن‌پاره‌های مدیریت محله‌ای‌اند، چرا که نمایه‌های هشت‌گانه جهانی که سازمان‌هایی جهانی، مانند برنامه توسعه ملل متحد^۱ برای حکمروایی خوب شهری پیش‌گذاری کرده‌اند، با نمایه‌های مدیریت محله هم‌پوشی زیادی دارند. در جدول ۱ این نمایه‌ها و گویه‌های در پیوسته با آنها که برای این پژوهش بیرون‌کشی و پیش‌گذاری شده‌اند، فهرست گردیده‌اند.

محدوده پژوهش

در سال ۱۳۳۴ برای نخستین بار منطقه سه شهرداری تهران در داخل مرز شهری جای گرفت و در سال ۱۳۵۸ در جایگاه یکی از بخش‌بندی‌های شهر تهران با محدوده‌های کنونی ریخت گرفت. این منطقه اکنون دارای شش ناحیه و ۱۲ محله است (tehran.ir/default.aspx?tabid=284) که یکی از آنها محله آراغات است که در ناحیه یک منطقه جای گرفته است و «بر پایه سرشماری همگانی نفوس و مسکن مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، ۲۶۱۴۰ نفر را در خود جای داده است»

برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های آماری تی و فریدمن^۱ در محیط نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شده است. در این راستا، از میان آزمون‌های بالا، برای آزمون گمانه یکم، آزمون نخستین و برای آزمون گمانه دوم، آزمون واپسین به کار گرفته شده‌اند.

نمایه‌های پژوهش

برای حکم‌روایی خوب، نمایه‌هایی از سوی پژوهش‌گران بر ساخته و پیشنهاد شده است که از آن میان، بررسی سه تن از پژوهش‌گران به نام‌های کافمن، کرای و لوبتون^۲، با آمیزش یافته‌های نهادهای دیگرگون بین‌المللی هم‌چون EIU^۳، ICRG^۴، بنیاد مانداک و خانه آزادی درباره وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشورها، نمایه‌های حکم‌روایی خوب را گزینش کرده‌اند. این نمایه‌ها بر این پایه‌اند: حق نظردهی و پاسخ‌گویی، پایداری سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و مهار فساد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۹۹). زیست‌بوم سازمان ملل متحد، یازده نمایه حکم‌روایی خوب شهری را بر این پایه می‌داند: ۱. مشارکت؛ ۲. قانون‌مداری؛ ۳. شفافیت؛ ۴. پاسخ‌گویی؛ ۵. هم‌گرایی؛ ۶. برابری؛ ۷. کارایی؛ ۸. مسئولیت‌پذیری؛ ۹. بینش راهبردی؛ ۱۰. واگذاری مسئولیت به لایه‌های پایین و ۱۱. امنیت (UN-Habitat, 2002: 19-26). در آینده، در سال ۲۰۰۶، همین زیست‌بوم، نمایه‌های حکم‌روایی شهری را در ۲۴ شهر سنجش کرد و ۲۶ نمایه را بر این پایه شناسایی کرد. نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری بنا بر شناسش این زیست‌بوم، آمیزه‌ای است از پنج نمایه کلی که بر این پایه‌اند: مشارکت، برابری، کارایی، پاسخ‌گویی و امنیت. نمایه‌های ۲۶ گانه حکم‌روایی بر پایه این پنج هسته بنیادین‌اند که افزون بر زیست‌بوم سازمان ملل، از سوی سازمان‌هایی دیگر، مانند بانک جهانی، پذیرفته و فراگیر شده‌اند (پاداش و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۶). بر پایه بررسی‌هایی که در زمینه حکم‌روایی خوب شهری و سنجش آن با نهش و چندوچون شهرهای ایران انجام گرفته است، سنجه‌هایی چون مشارکت شهروندان، کارایی، پذیرا و پاسخ‌گو بودن، مسئولیت، شفافیت، قانون‌مندی، هم‌گرایی، برابری، بینش راهبردی و تمرکززدایی، سنجه‌های حکم‌روایی خوب شهری در ایران نام برده شده‌اند. هر یک از سنجه‌های نام‌برده پنداره‌ای دارند که در نظامی یک‌پارچه در هم‌کنشی با یکدیگر، نظام مدیریت شهری پشت‌داده به حکم‌روایی خوب شهری را ریخت می‌دهند. در بخش‌های پسین، هر یک از این سنجه‌ها را در جایگاه سنجه‌های مناسب حکم‌روایی خوب شهری در شهرهای ایران، پیش‌گذاری و شناسایی می‌کنیم (برک‌پور، ۱۳۸۶: ۵۰۱).

در این مقاله، پس از بررسی‌های موردنیاز و بر پایه شیوه‌ها و الگوهای مدیریت شهری و مدیریت محله‌ای در ایران و بر پایه ادب‌سار پژوهش و گزینش نمایه‌های جهانی، هشت نمایه برای سنجش مدیریت محله‌ای بر پایه نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری برگزیده شد که در جدول ۱ همراه با گویه‌های جداگانه هر کدام، پیش‌گذاری شده‌اند.

1. T & Friedman Tests
 2. Kaufman, Cry & Leviton
 3. Economist Intelligence Unit
 4. International Country Risk Group

جدول ۱. نمایه‌های هشت‌گانه‌ی پژوهش

نمایه	گویه
مشارکت	مشارکت در فعالیت‌های همه‌سودرسان، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، نظارت شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های در پیوسته با محله، آسان‌سازی مشارکت شهروندان در روند توسعه‌ی محله.
پاسخ‌گویی	رساندن نیازها و خواسته‌های شهروندان محله به کارگزاران رده‌بالای مدیریت شهری، پاسخ‌گویی مدیران محله به شهروندان، نبود فعالیت‌های خودسرانه و بی‌مسئولیت در مدیریت محله، جذب مشارکت شهروندان محله به دلیل پاسخ‌گویی مدیران محله، پاسخ‌گویی مدیران محله به اقدام‌ها و فعالیت‌های خود.
مسئولیت‌پذیری	تشویق مردم به پذیرش مسئولیت از سوی مدیریت محله، شایسته بودن مدیران محله در مسئولیتی که دارند، پذیرش اشتباه‌های مدیریت محله از سوی خود وی، کوشش مدیریت محله در کم کردن اشتباه‌های خود، پی‌گیری به سرانجام رسیدن طرح‌های در دست اجرا از سوی مدیریت محله، احساس مسئولیت مدیریت محله در راستای تمرکززدایی.
قانون‌مندی	وجود پارتی‌بازی و سوگیری در کارهای اداری محله، تأثیرگذاری شهروندان یا گروه‌های دارای نفوذ، در تصمیم‌گیری‌های محله، دخالت افراد یا گروه‌های سودبر در مدیریت محله، پای‌بندی شهروندان محله به قوانین و مقررات بر نهاده شده، پای‌بندی مدیریت محله به حقوق شهروندان، گردن‌نهی مدیریت محله به برابری در برابر قانون.
هم‌گرایی	هم‌سوایی و هم‌فکری مدیریت محله با شهروندان، هم‌فکری مدیریت محله با سازمان‌ها و نهادهای دیگر شهری، هم‌سوایی مدیریت محله با جامعه‌ی مدنی (مردم و نهادهای مردمی)، پشتیبانی مدیریت محله از سودهای بیشتر گروه‌ها و رده‌های اجتماعی، وجود یک سازوکار برای مشورت بین سازمان‌های رسمی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی شهری و شهروندان محله در مدیریت محله.
برابری	نبود پارتی‌بازی و حق‌وناحق کردن در محله، وجود دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان در محله، رفتار برابر و همسان مدیریت محله با همه‌ی بخش‌های نیازمند محله در خدمات‌رسانی و پیش‌گذاری امکانات، وجود برابری جنسیتی (فرصت و نگاه برابر به جنسیت) در هموندی در مدیریت محله، بهره‌گیری خردمندانه از منابع و امکانات محله.
شفافیت	وجود شفافیت در تصمیم‌گیری در مدیریت محله، وجود شفافیت در کارکرد در مدیریت محله، وجود شفافیت در دادن اطلاعات در مدیریت محله، نظرخواهی از مردم از سوی مدیریت محله در آماده‌گونی و پیاده‌سازی برنامه‌ها و طرح‌ها، توجه به نظر شهروندان محله نسبت به کارکرد مدیریت محله، روراست بودن مدیران محله در پیش‌گذاری برنامه‌ها و برگزاری نشست‌های همگانی برای در جریان قرار دادن شهروندان محله.
کارایی	همیشگی و پایدار بودن فعالیت‌های مدیریت محله، بهبودبخشی اقدام‌های مدیریتی بر پایه‌ی دانش نو، پافشاری بر بهبود شیوه‌ی اداره‌ی امور واگذار شده از سوی مدیریت محله، کاستن از هزینه‌ها و افزودن به کیفیت خدمات از سوی مدیریت محله، پوشش خدمات‌رسانی در گستره‌ی محله از سوی مدیریت محله، واگذاری پیوسته‌ی پیش‌گذاری خدمات به بخش‌های دیگر جامعه از سوی مدیریت محله.

بُن‌مایه: نگارندگان

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

تحلیل توصیفی از یافته‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که میانگین سنی آنان ۳۸ سال بوده است (پیرترین پاسخ‌گو ۵۱ و جوان‌ترین ۲۹ سال). از نظر جنسی، ۱۳ پاسخ‌گو مرد (۶۵٪) و ۷ پاسخ‌گو نیز زن (۳۵٪) بودند. از نظر تراز دانش‌آموختگی، ۲ تن دارای مدرک فوق‌دیپلم (۱۰٪)، ۸ تن دارای مدرک کارشناسی (۴۰٪)، ۷ تن دارای مدرک کارشناسی ارشد (۳۵٪) و ۳ تن دیگر نیز دارای مدرک دکتری بودند (۱۵٪).

یافته‌های استنباطی

در این مقاله، در راستای آزمون گمانه‌های پژوهش، با توجه به رویکرد حکم‌روایی خوب شهری، در گام یکم، مدیریت محله‌ای در محله مورد پژوهش بررسی و تحلیل شده است. در این راستا، با انجام برآورد آماری^۱ با بهره‌گیری از آماره‌های سنجش میانگین‌ها، با بهره‌گیری از دو ابزار آزمون آماری؛ یعنی آزمون‌های تی و فریدمن، در چارچوب گمانه‌های دوگانه پژوهش، وضعیت اثربخشی مدیریت محله‌ای در محله مورد پژوهش از نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری، به بوتۀ آزمون گذاشته شده است. گمانه‌های پژوهش، بر پایه آزمون‌های تی و فریدمن، به دیسۀ زیر آزمون می‌شوند:

– **آزمون گمانه یکم:** برای آزمون گمانه یکم با نام «محله آرات در زمینه کارکرد نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری، وضعیتی درخور دارد»، از آزمون پارامتری t-test تک‌نمونه‌ای بهره گرفته شده است. بر پایه برون‌دادهای به دست آمده از این آزمون، آن‌گونه که یافته‌های موجود در جدول ۲ نشان می‌دهند، وضعیت کارکرد هر یک از این نمایه‌ها در مدیریت محله آرات، دگرسان و دیگرگون است و مراجعه به دو ستون در پیوسته با اندازه میانگین‌ها با دگرسانی یا تفاوت میانگین‌های به دست آمده به خوبی بیانگر این امر است. با نگرش به دامنه طیفی تحت بررسی (که بین ۱ تا ۵ و بر پایه طیف لیکرت در نوسان است) آشکار شد که میانگین بیشتر نمایه‌های پژوهش، دارای بهینگی عددی نسبتاً مطلوب و نسبتاً نامطلوب است (نگاه کنید به جدول ۲).

نمایه مشارکت

بر پایه برون‌دادها یا ستانده‌های جدول ۲ که برون‌داد ارزیابی کارشناسان حوزه مدیریت شهری از نمایه‌های هشت‌گانه حکم‌روایی خوب شهری در پیوسته با این پژوهش است، تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای نمایه مشارکت نشان می‌دهد که اندازه میانگین ۳/۵ در دسته بهینگی نسبتاً مطلوب جای دارد و چون تراز معناداری به دست آمده برای آن کمتر از لغزش آماری ۰/۵ است (۰/۴۹۴ > ۰/۵)، بیانگر اطمینان آماری ۹۵٪ است. از این رو، می‌توان وجود کارکرد نسبتاً مطلوب نمایه مشارکت در مدیریت محله‌ای آرات را پذیرفت.

1. Compute

جدول ۲. وضعیت کارکرد نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری در محله آراارات بر پایه آزمون T تک‌نمونه‌ای

بهینگی عددی مورد آزمون = ۳							نمایه‌ها
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	معناداری	درجه آزادی	دگرسانی یا تفاوت میانگین	میانگین	آماره آزمون T		
اندازه	اندازه	پایین	میانگین				
۰/۱۹۹	-۰/۰۹۹	۰/۴۹۴	۱۹	۰/۰۵۰۰	۳/۰۵	۰/۶۹۸	مشارکت
۰/۲۸۳	۰/۹۶۵	۰/۰۰۰	۱۹	۰/۱۹۰	۳/۱۹	۴/۲۵	پاسخ‌گویی
-۰/۳۶۰	-۰/۶۹۹	۰/۰۰۰	۱۹	-۰/۵۳۰	۲/۴۷	-۶/۵۳	مسئولیت‌پذیری
۰/۰۶۶۴	-۰/۳۸۳	۰/۰۰۸	۱۹	-۰/۲۲۵	۲/۷۷	-۲/۹۶	قانون‌مندی
-۰/۷۳۶	-۰/۹۶۳	۰/۰۰۰	۱۹	-۰/۸۵۰	۲/۱۵	-۱۵/۷۲	هم‌گرایی
-۰/۸۰۹	-۰/۹۵۰	۰/۰۰۰	۱۹	-۰/۸۸۰	۲/۱۲	-۲۶/۱۰	برابری
-۰/۲۸۶	-۰/۵۱۳	۰/۰۰۰	۱۹	-۰/۴۰۰	۲/۶۰	-۷/۳۶	شفافیت
۰/۱۲۵	-۰/۱۰۵	۰/۸۵۸	۱۹	۰/۱۰۰۰	۳/۰۱	۰/۱۸۱	کارایی
-۰/۲۹۸	-۰/۳۵۹	۰/۰۰۰	۱۹	-۰/۳۲۹	۲/۶۷	۲۲/۶۴	گروه نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری

بهینگی عددی: میانگین ۱ تا ۲,۳۳ نامطلوب؛ میانگین ۲/۳۴ تا ۳/۶۷ نسبتاً مطلوب؛ و میانگین ۳/۶۸ تا ۵ مطلوب است.
توجه: با اندازه $P < ۰/۵$ معناداری در تراز ۹۵٪؛ و با اندازه $P < ۰/۰۰۱$ معناداری در تراز ۹۹٪ خواهد بود.

بن‌مایه: یافته‌های پژوهش

نمایه پاسخ‌گویی

کارکرد نمایه پاسخ‌گویی در مدیریت محله‌ای آراارات نسبتاً مطلوب است؛ چرا که تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای این نمایه نشان از این دارد که میانگین ۳/۱۹ در دسته بهینگی نسبتاً مطلوب جای دارد و چون تراز معناداری به‌دست‌آمده، پایین‌تر از کمینه لغزش آماری ۰/۰۰۱ است ($۰/۰۰۰ > ۰/۰۰۱$)، بیانگر اطمینان آماری ۹۹٪ برای نمایه مزبور نیز است.

نمایه مسئولیت‌پذیری

همان‌طور که از جدول ۲ پدیدار است، تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای نمایه مسئولیت‌پذیری نشان می‌دهد که این نمایه با اندازه میانگین ۲/۴۷ از بهینگی نسبتاً مطلوبی برخوردار است و از آنجایی که تراز معناداری آن از کمینه لغزش

آماري ۰/۰۰۱ کمتر است ($0/001 > 0/000$)، اطمینان آماری آن ۹۹٪ است. از این رو، تحلیل کارکرد نمایه مسئولیت‌پذیری، نشان از کارکرد نسبتاً مطلوب این نمایه در مدیریت محله‌ای در محله مورد پژوهش است.

نمایه قانون‌مندی

تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای نمایه قانون‌مندی نشان می‌دهد که اندازه میانگین ۲/۷۷ در دسته بهینگی نسبتاً مطلوب جای دارد و از آن جایی که اندازه معناداری برای آن از بیشینه اندازه لغزش آماری یعنی ۰/۵ پایین‌تر است ($0/008 > 0/5$)، بیانگر اطمینان آماری ۹۵٪ است. از این رو، می‌توان کارکرد نسبتاً مطلوب نمایه قانون‌مندی در مدیریت محله‌ای آزارات را پذیرفت.

نمایه هم‌گرایی

همان‌گونه که در جدول بالا پدیدار است، نمایه هم‌گرایی در مدیریت محله‌ای آزارات، کارکرد نامطلوب دارد. وضعیت بهینگی میانگین برای نمایه هم‌گرایی نشان می‌دهد که وضعیت میانگین ۲/۱۵ در دسته بهینگی نامطلوب یا ضعیف است و از آنجا که تراز معناداری برای آن کمتر از کمینه لغزش آماری ۰/۰۰۱ است ($0/001 > 0/000$)، نشان‌دهنده اطمینان آماری ۹۹٪ است.

نمایه برابری

تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای نمایه برابری نشان می‌دهد که اندازه میانگین ۲/۱۲ نشان از بهینگی نامطلوب یا ضعیف است و چون تراز معناداری به‌دست‌آمده برای آن از کمینه لغزش آماری ۰/۰۰۱ پایین‌تر است ($0/001 > 0/000$)، بیانگر اطمینان آماری ۹۹٪ است. بر این پایه، می‌توان کارکرد نامطلوب از نمایه برابری در مدیریت محله‌ای آزارات را پذیرفت.

نمایه شفافیت

ارزیابی جدول ۲ نشان می‌دهد که در رابطه با نمایه شفافیت، تحلیل وضعیت بهینگی میانگین نمایه مزبور که میانگین آن ۲/۶۰ است، بیانگر بهینگی نامطلوب آن در مدیریت محله مورد پژوهش است. پایین‌تر بودن تراز معناداری این نمایه نسبت به کمینه لغزش آماری ۰/۰۰۱ ($0/001 > 0/000$) که نشان‌دهنده اطمینان آماری ۹۹٪ است، نشان از کارکرد نامطلوب این نمایه دارد.

نمایه کارایی

برآیند ارزیابی دیدگاه کارشناسان که پس از تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای نمایه کارایی به‌دست‌آمده است، نشان‌دهنده این است که میانگین این نمایه ۳/۰۱ است و از این رو، بهینگی نسبتاً مطلوبی دارد. ولی چون تراز معناداری

برای آن، بیشتر از بیشینه لغزش آماری ۰/۵ است ($0/5 < 0/858$)، بیانگر نبود اطمینان آماری و پذیرش گمان ناهم‌سوی آن (گمان صفر به معنای نامناسب بودن نمایه کارایی در مدیریت محله‌ای آراغات) است. بنابراین، کارکرد نمایه کارایی در مدیریت محله‌ای آراغات نسبتاً مطلوب است.

کارکرد مجموعه نمایه‌های حکمروایی خوب شهری در مدیریت محله آراغات

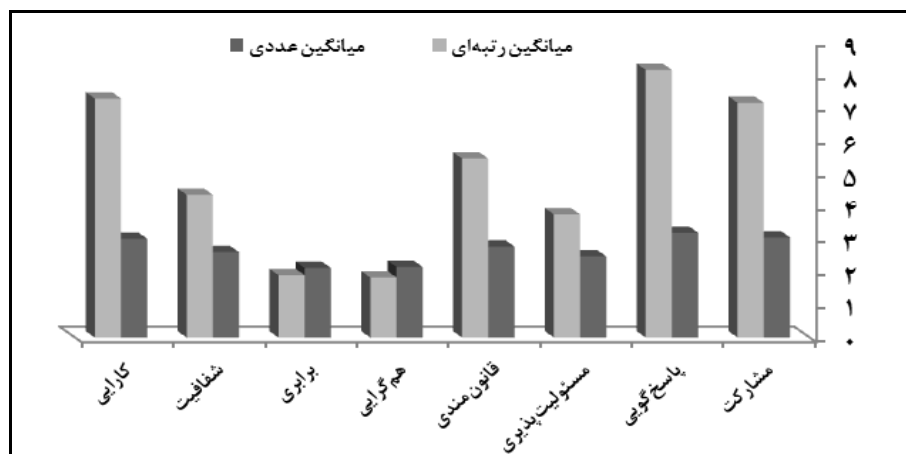
تحلیل وضعیت بهینگی میانگین برای گروه نمایه‌های (نمایه‌های هشت‌گانه) حکمروایی خوب شهری نشان می‌دهد که اندازه میانگین ۲/۶۷ در دسته بهینگی نسبتاً مطلوب قرار دارد و از آنجا که تراز معناداری به‌دست‌آمده برای آن، کمتر از کمینه لغزش آماری ۰/۰۰۱ است ($0/001 > 0/001$)، بیانگر اطمینان آماری ۹۹٪ است. در این راستا، روی هم رفته، می‌توان بنا بر آنچه کارشناسان ارزیابی کرده‌اند، کارکرد نسبتاً مطلوب حکمروایی خوب شهری در مدیریت محله آراغات را پذیرفت و بیان کرد که گمانه یکم پژوهش، با بالاترین اطمینان آماری (۹۹٪) پذیرفته می‌شود؛ بنابراین گمان ناهم‌سوی آن، که به معنای نبود کارکرد خوب حکمروایی خوب شهری در این محله است، رد می‌شود.

– **آزمون گمانه دوم:** برای آزمون گمانه دوم با نام «از میان نمایه‌های حکمروایی خوب شهری، مشارکت و پاسخ‌گویی، کارکرد بیشتری در مدیریت محله‌ای در محله آراغات دارند»، برای سنجش دگرسانی یا تفاوت میانگین‌های نمایه‌های هشت‌گانه پژوهش، از آزمون ناپارامتری فریدمن بهره‌گیری شده است.

جدول ۳. تفاوت معناداری میانگین نمایه‌های حکمروایی خوب شهری در محله آراغات، بر پایه آزمون رده‌بندی فریدمن

نمایه‌ها	شمار نمونه	میانگین عددی	میانگین رده‌ای		توصیفی‌ها	
			فریدمن	کمینه	بیشینه	
مشارکت	۲۰	۳/۰۵	۲/۱۵	۲/۵۰	۳/۵۰	
پاسخ‌گویی	۲۰	۳/۱۹	۱/۱۵	۲/۸۰	۳/۴۰	
مسئولیت‌پذیری	۲۰	۲/۴۷	۳/۷۵	۲	۳	
قانون‌مندی	۲۰	۲/۷۷	۵/۴۵	۲/۳۳	۳/۵۰	
هم‌گرایی	۲۰	۲/۱۵	۱/۸۳	۱/۸۰	۲/۶۰	
برابری	۲۰	۲/۱۲	۱/۹۰	۲	۲/۴۰	
شفافیت	۲۰	۲/۶۰	۴/۳۵	۲/۲۰	۳	
کارایی	۲۰	۳/۰۱	۷/۲۸	۲/۶۰	۳/۴۰	
گروه نمایه‌های حکمروایی خوب شهری	۲۰	۲/۶۷	۵/۱۵	۲/۵۳	۲/۷۵	
کای دو			۱۱۲,۸۲۳			
درجه آزادی			۸			
تراز معناداری			۰/۰۰۰			

نمایه: یافته‌های پژوهش



نگاره ۴. میانگین نمایه‌های پژوهش - بُن‌مایه: نگارندگان، بر پایه داده‌های جدول ۳

بر پایه برون‌دادهای جدول ۳ که ستانده ارزیابی نظرهای کارشناسان در پیوسته با مدیریت شهری در محله تحت پژوهش است، بررسی برون‌دادهای آزمون فریدمن برای سنجش دگرسانی معناداری میان نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری، بیانگر چند عامل دیگرگون به دیسه پایین است:

الف) یکم اینکه اندازه میانگین عددی به‌دست‌آمده برای هر هشت نمایه حکم‌روایی خوب شهری برگزیده این پژوهش و گروه نمایه‌های حکم‌روایی خوب شهری، بر پایه آماره بهینگی عددی نشان‌دهنده بالاتر بودن میانگین‌های آنها از مرز بهینگی ارزش عددی (یعنی ۲/۳۳) است. از این رو، در مدیریت محله‌ای آرات، هر یک از نمایه‌های هشت‌گانه حکم‌روایی خوب شهری، به اندازه دیگرگونی کاربرد داشته‌اند.

ب) دوم اینکه چنانچه ستانده‌های برآمده از ارزیابی داده‌ها با آماره فریدمن نشان می‌دهد، بیشترین میانگین عددی دهندین به نمایه‌های پاسخ‌گویی (۳/۱۹)، مشارکت (۳/۰۵) و کارایی (۳/۰۱) و بیشترین میانگین رده‌ای، دهندین، به نمایه‌های پاسخ‌گویی (۸/۱۵)، کارایی (۷/۲۸) و مشارکت (۷/۱۵) در پیوسته است (جدول ۳ و نگاره ۴).

پ) سوم اینکه چنانچه ستانده‌های برآمده از ارزیابی داده‌ها با آماره فریدمن نشان می‌دهند و در نگاره ۴ به‌خوبی نمایان و روشن است، میانگین رده‌ای دو نمایه، دگرسانی معناداری با شش نمایه دیگر دارند: یکی نمایه هم‌گرایی (۱/۸۳) و دیگری نمایه برابری (۱/۹۰).

ت) چهارم اینکه هم میانگین عددی و هم میانگین رده‌ای چهار نمایه مشارکت، پاسخ‌گویی، کارایی و قانون‌مندی از میانگین عددی (۲/۶۷) و میانگین رده‌ای (۵/۱۵) گروه نمایه‌ها، بالاتر و میانگین عددی و رده‌ای چهار نمایه هم‌گرایی، برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت از میانگین عددی و رده‌ای گروه نمایه‌ها پایین‌تر است. این به آن معنا است که چهار نمایه پسین، به وارونه نمایه‌های چهارگانه پیشین، کارکرد نامطلوب یا ضعیفی در مدیریت محله تحت بررسی دارند.

ث) پنجم اینکه میان اندازه کارکرد حکم‌روایی خوب شهری در نمایه‌های هشت‌گانه در محله تحت بررسی، در تراز آلفای ۰/۰۰۱ دگرسانی معناداری وجود دارد ($0.001 > 0.001$). روی هم رفته، از آنجا که دو نمایه پیش‌گذاری‌شده در گمانه دوم پژوهش، یعنی نمایه‌های مشارکت و پاسخ‌گویی، در میان نمایه‌هایی با میانگین رده‌ای بالاتر در سنجش با

دیگر نمایه‌های پژوهش جای داشته‌اند و لغزش آماری آنها از کمیته‌ی لغزش آماری ($0/000 > 0/001$) پایین‌تر است، بنابراین، با اطمینان آماری ۹۹٪، می‌توان گمانه‌ی دوم پژوهش را پذیرفت.

برآیند

در حوزه‌ی نگرانی یا انگاره‌ی این پژوهش، باید به این نکته‌ی نمارش و اشاره داشت که مدیریت شهری کنونی در شهرهای جهان، به‌ویژه در کلان‌شهرها، به شوندهایی چون پیچیدگی‌های چندگانه و چندگونه‌ی موجود در حوزه‌های دیگرگون شهرها، در توان مدیریت متمرکز شهری نیست و به‌راستی الگوی مدیریت دستوری بالا به پایین، ناچار به بهره‌گیری از توان‌های بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی است (آن‌گونه که در نگاره ۱ پدیدار است). به گفته‌ی دیگر، مدیریت تک‌مرکزی یا یک‌هسته‌ای دولتی ناکارآمد، پرهزینه، زمان‌بر و سلطه‌گر است. در این راستا، در یکی دو دهه‌ی پسین، پویش‌هایی برای گذار به سوی الگوهای نوین تمرکززا و چندهسته‌ای مدیریتی در سراسر جهان آغاز شد که بیشینه‌ی آنها هم‌پوش بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های شهروندی و نهادهای بخش خصوصی بوده است. امروزه بارقه‌های این پویش‌ها در کلان‌شهرها، سپردن بخشی از امور مدیریت شهرها به این دو بخش پیش‌گفته است. این رویه در شهرهای بزرگ ایران، به ویژه کلان‌شهر تهران در چارچوب «مدیریت محله‌ای» نمود یافته است. مدیریتی که به بار نشستن آن، نیازمند اثرپذیری کارساز از اصل‌ها و نمایه‌های نوین‌ترین الگوی اداره‌ی شهری، یعنی «حکم‌روایی خوب شهری» است. بنابراین، امروزه گواه هستیم که شهرداری کلان‌شهر تهران، بازنگری در شیوه‌ی مدیریت شهری این شهر را پیش‌گرفته است. این بازساخت مدیریتی که فرآورده و برآیند آن مدیریت محله‌ای است، هم‌اکنون در همه‌ی محله‌های این کلان‌شهر در جریان است.

بر این پایه و در راستای نویسه‌های بالا، نتیجه گرفته می‌شود که مدیریت متمرکز، دیگر پاسخ‌گوی مدیریت شهری تهران نیست و هم‌اکنون مدیریت از تراز محله‌ها و از پایین به بالا، در یک هم‌کنشی میان سه بخش اجرایی شهرداری، شهروندان محله‌ها و بخش خصوصی، کارآمدترین گونه‌ی مدیریت شهری تهران است. برون‌دادهای برآمده از پژوهش پیش‌روی نیز نشان از گرایش محله‌ی مورد پژوهش (نگاره ۳) به سوی مدیریت محله بر پایه‌ی الگوهای محلی و هم‌یارانه و مردم‌سالارانه است. این برون‌دادهای، به دیسه‌ی موشکافانه، به گونه‌ی پایین‌پیش‌گذاری می‌شوند.

در زمینه‌ی آزمون گمانه‌ی یکم، چنانچه برون‌دادهای برآمده از آزمون t-test تک‌نمونه‌ای برای این گمانه در جدول ۲ نشان می‌دهند، تراز و اندازه‌ی کارکرد نمایه‌های مورد نظر در مدیریت محله‌ی مورد پژوهش، دگرسانی معناداری دارد. مشاهده‌ی ستون‌های درپیوسته با میانگین‌ها با دگرسانی میانگین‌های به‌دست‌آمده به روشنی این گزاره را آشکار می‌کند. در این زمینه، برآیندی که به‌دست آمد، این بود که میانگین بیشتر نمایه‌های پژوهش، دارای بهینگی عددی نسبتاً مطلوب تا نامطلوب است. به گفته‌ی، از نظر اندازه‌ی کارکرد نمایه‌ها، سه نمایه از هشت نمایه برگزیده، دارای برآیندی مطلوب و نسبتاً مطلوب و پنج نمایه هم دارای برآیندی نامطلوب و ضعیف‌اند. این به آن معنا است که بیش از ۵۰ درصد نمایه‌ها، کارکردی درخور ندارند و ستانده‌ی میانگین آنها، از آستانه‌ی بهینگی مورد آزمون که برابر با ۳ است، پایین‌تر است. همچنین بیانگر این است که هر چند میانگین کلی کارکرد نمایه‌ها روی هم‌رفته مثبت است و حتی گمانه‌ی درپیوسته با آنها نیز پذیرفته شده است، ولی بهینگی ۵ نمونه از ۸ نمایه نامطلوب و ضعیف است (جدول ۲).

در رابطه با آزمون گمانه دوم، همان‌گونه که برون داده‌های برآمده از آزمون این گمانه در جدول ۳ و نگاره ۴ نشان می‌دهند و در ستون‌های در پیوسته با میانگین عددی و رده‌ای جدول مزبور پدیدار است، دهندادین، نمایه‌های پاسخ‌گویی (۸/۱۵)، کارایی (۷/۲۸) و مشارکت (۷/۱۵) بیشترین کارکرد را در مدیریت محله آرات دارند. بنابراین گمان نخستین پژوهشگران (اینکه دو نمایه مشارکت و پاسخ‌گویی، کارکرد بیشتری در مدیریت محله دارند) به راستینه بسیار نزدیک بوده است؛ چرا که دگرسانی چندانی میان نمایه کارایی و مشارکت از نظر اندازه کارکرد وجود ندارد و کمتر از لغزش آماری ($0/000 > 0/001$) است. از این گذشته، نکته درخور دیگر در این ارزیابی این است که چهار نمایه مشارکت، پاسخ‌گویی، کارایی و قانون‌مندی میانگین عددی و رده‌ای پایین‌تری نسبت به میانگین گروه نمایه‌ها دارند و چهار نمایه هم‌گرایی، برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت، میانگینی پایین‌تر از میانگین گروه نمایه‌ها دارند. از سوی دیگر، با توجه به بهینگی ضعیف و ناکارآمدی دو نمایه هم‌گرایی و برابری (دهنادین، با میانگین رده‌ای ۱/۸۳ و ۱/۹۰ در سنجش با میانگین گروه نمایه‌ها، یعنی ۵/۱۵)، در برنامه‌ریزی‌هایی که دست‌اندرکاران شهری در پیوسته با محله انجام می‌دهند، بایستی بیش از پیش به توان بخشی نمایه‌های در پیوسته با این چهار نمایه پسین؛ به‌ویژه دو نمایه هم‌گرایی و برابری بپردازند و آنها را در اولویت برنامه‌ها و اقدام‌های توسعه‌ای خود در راستای مدیریت شهری جای دهند.

روی هم‌رفته، آن‌گونه‌ای که برون داده‌های برآمده از آزمون هر دو گمانه برای ارزیابی نظرهای کارشناسان مدیریت شهری در جایگاه آزمودنی‌های این پژوهش، نشان می‌دهد و به دیسه موشکافانه در جدول ۲ برای گمانه یکم و جدول ۳ و نگاره ۴ برای گمانه دوم آمده است، اگرچه ارزیابی پایانی و فرجامین، نشان از وضعیت نسبتاً مطلوب یا میانه کارکرد حکمروایی خوب شهری دارد و در پی آن، هر دو گمانه پژوهش پذیرش شده‌اند، ولی باید توجه داشت که بر پایه ستانده‌های به دست آمده در هر دو جدول‌های ۲ و ۳ با هر دو آزمون پارامتری تی (T) و ناپارامتری فریدمن (Friedman)، چهار نمایه از هشت نمایه تحت بررسی که در ریخت‌یابی مدیریت محله‌ای، بسیار کارسازند، در محله مورد پژوهش وضعیتی نامطلوب یا ضعیف دارند. این چهار نمایه بر این پایه‌اند: هم‌گرایی، برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت که پیش‌تر نمارش شد و میانگین آنها از میانگین میانه نمایه‌ها کمتر است. این یعنی اینکه اگر نمره آنها را از ۱۰۰ در نظر بگیریم، کمتر از ۵۰ است. در نتیجه، کارکرد آنها از اندازه میانه، پایین‌تر است. همچنین در جدول ۲، از میان هشت نمایه پژوهش، در محله مورد پژوهش، برآیند پنج نمایه در کارکرد مؤثر در مدیریت محله، منفی است. روشن‌سازی اینکه: با نگاهی به ستون میانگین جدول ۲ آشکار می‌شود که سواى سه نمایه مشارکت، پاسخ‌گویی و کارایی، میانگین پنج نمایه دیگر از نمره بهینگی عددی مورد آزمون، یعنی از رقم ۳ پایین‌تر است و دگرسانی میانگین‌های به‌دست‌آمده در جدول مزبور این مهم را پذیرش می‌کنند. از این رو، هم‌گرایی در تصمیم‌گیری‌ها و پیرامون انجام امور و کارهای محله وضعیتی نامطلوب دارد، برابری بسیار کم‌رنگ است و به دیسه دادگرانه به دست دست‌اندرکاران اداره محله انجام نمی‌گیرد، دست‌اندرکاران محله به‌خوبی در برابر کارهایی که انجام می‌دهند، احساس مسئولیت نمی‌کنند و در تصمیم‌ها، سیاست‌ها و کارهایی که باید انجام دهند، شفاف و روراست نیستند. افزون بر این، از نظر اندازه کارکرد، بیشترین اندازه، دهندادین، به نمایه‌های پاسخ‌گویی، کارایی، مشارکت، قانون‌مندی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، هم‌گرایی و برابری در پیوسته است. برآیند بنیادی این که نمایه پاسخ‌گویی، دارای بیشترین کارکرد و نمایه برابری، دارای کمترین کارکرد در مدیریت محله‌ای محله

مورد پژوهش دارند (جدول ۴). و اگر بخواهیم به کارکرد نمایه‌های حکمروایی خوب شهری، به محله مورد پژوهش، یعنی محله آراغات به شیوه‌ای دقیق‌تر نمره بدهیم و سقف نمره هم ۸ باشد، نمره این محله، ۳ از ۸ است و از این رو، وضعیت حکمروایی خوب شهری در آن نامطلوب یا ضعیف است. در نگاره ۴ پلکان پایگانی یا سلسله‌مراتب کارکرد نمایه‌ها به‌خوبی روشن است.

جدول ۴. نامطلوب و ضعیف بودن پنج نمایه از هشت نمایه پژوهش

نمایه	بهینگی عددی آزمون	دگرسازی میانگین	برآیند بهینگی نمایه	رده کارکرد
مشارکت		۰/۰۵۰۰	+	۳
پاسخ‌گویی		۰/۱۹۰	+	۱
مسئولیت‌پذیری		-۰/۵۳۰	-	۶
قانون‌مندی		-۰/۲۲۵	-	۴
هم‌گرایی	۳	-۰/۸۵۰	-	۷
برابری		-۰/۸۸	-	۸
شفافیت		-۰/۴۰۰	-	۵
کارایی		۰/۱۰۰۰	+	۲

بُن‌مایه: نگارندگان، بر پایه استانداردهای جدول ۲

منابع

- احمدی، نسبیبه؛ (۱۳۸۸). «معرفی و نقد روش دلفی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲، دی ۸۸، صص. ۱۰۰ تا ۱۰۸.
- الوانی، سید مهدی؛ (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب شبکه‌ای از کنش‌گران جامعه مدنی»، فصلنامه مدیریت شهری، پیش شماره یکم، بهار ۸۸، صص. ۱ تا ۶.
- ایمانی جاجرمی، حسین؛ نوذریپور، علی؛ ایازی، سید محمد هادی؛ صالحی، اسماعیل؛ سعیدی رضوانی، نوید؛ عبداللهی، مجید؛ و کاظمیان، غلامرضا؛ (۱۳۹۲). مدیریت شهری؛ جلد دوم: مدیریت شهری در ایران، تهران، تیسرا.
- ایمانی جاجرمی، حسین؛ (۱۳۸۳). مدیریت شهری پایدار (بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرهای ایران)، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- برک‌پور، ناصر؛ (۱۳۸۱). گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری در ایران، پایان‌نامه دکترای شهرسازی، تهران، گروه شهرسازی دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- برک‌پور، ناصر؛ (۱۳۸۶). «حکمرانی خوب شهری و نظام اداره شهرها در ایران»، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، صص. ۴۹۱ تا ۵۱۷.
- بیکر، ترزال؛ (۱۳۹۲). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- پاداش، حمید؛ جهانشاهی، بابک؛ صادقی، علی؛ (۱۳۸۶). «شاخص‌های حکمرانی شهری»، جستارهای شهرسازی، بهار ۸۶، شماره ۱۹ و ۲۰، صص. ۷۲ تا ۷۹.
- پورعاشور، مهدی؛ (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظام مدیریت محله‌ای در شهرداری منطقه ۷ تهران با مشارکت شهروندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- حاجی‌پور، خلیل؛ (۱۳۸۳). جایگاه و نقش رویکرد برنامه‌ریزی اجتماع‌محور در ایجاد نظام مدیریت کارآمد شهری، کتاب چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای، چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، مراکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، اسفند ۱۳۸۳، ص ۹۹.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ (۱۳۸۰). شهر و عدالت اجتماعی: ناهم‌گونی فضایی محله‌های مشهد، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تهران، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظنیا، محمدرضا؛ (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ هفدهم، تهران، سمت.
- خسروی، مسعود؛ (۱۳۹۱). مجموعه مقالات حکمرانی خوب شهری: بررسی رابطه شاخص‌های حکمرانی خوب شهری و مدیریت محله، جلد سوم، تهران، تیسرا.
- رضویان، سید محمدتقی؛ (۱۳۸۱). مدیریت عمران شهری، چاپ اول، تهران، پیوند نو.
- ساسان‌پور، فرزانه؛ (۱۳۹۰). مبانی پایداری توسعه کلان‌شهرها با تأکید بر کلان‌شهر تهران، چاپ یکم، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- سجادی، ژیل؛ یاری‌قلی، وحید؛ کلانتری، بهرنگ؛ (۱۳۹۲). «محله‌محوری، انگاره‌ای نو برای تقویت جامعه مدنی»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی و برنامه‌ریزی محیطی (نسیم بامداد)، صص ۵۸ تا ۷۲، سال ششم، بهار و تابستان ۹۲، شماره‌های ۲۰ و ۲۱.
- سیافزاده، علی‌رضا؛ بدری‌فر، منصور؛ (۱۳۸۷). «ضرورت اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در کلان‌شهر تهران»، مجله سرزمین، دوره ۵، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، تابستان ۸۷، صص. ۳۵ تا ۵۳.

شریفیان ثانی، مریم؛ (۱۳۸۰). «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره هشتم، سال دوم، زمستان ۸۰.

عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ (۱۳۸۷). «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور»، پژوهش‌های جغرافیایی، بهار ۸۷، شماره ۶۳.

غفاری، غلام‌رضا؛ (۱۳۹۲). مدیریت شهری و مشارکت‌های اجتماعی، تهران، تیسرا.

گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۸). راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صیوری، تهران، شرکت نشر و پژوهش شیرازه.

صرافی، مظفر؛ (۱۳۸۰). «ابرمسئله شهری ایران و نقش برنامه‌ریزان شهری»، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۶۳-۶۲، مهرماه ۱۳۸۰، صص ۴۵-۵۰.

مدنی‌پور، علی؛ (۱۳۸۱). «مدیریت شهری»، ترجمه شیرین رضایی، فصلنامه شهر، بهار ۸۱.

مرکز آمار ایران؛ (۱۳۹۰). سالنامه آماری استان تهران، در www.amar.org.ir.

مشکینی، ابوالفضل؛ پورموسوی، سید موسی؛ مؤذن، موسی؛ (۱۳۹۳). «ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکم‌روایی مطلوب شهری - مطالعه موردی: محله اوین، تهران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره ششم، بهار ۹۳، صص ۳۱ تا ۴۲.

میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر؛ (۱۳۸۳). حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ یکم، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی.

نوریان، فرشاد؛ مظفری‌پور، نجمه؛ (۱۳۹۲). «ارزیابی عملکرد مدیریت محله‌محور با تأکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی - مورد پژوهی: محله‌های ۷ گانه منطقه ۲۱ شهرداری تهران»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان ۹۲، صص ۴۷ تا ۵۶.

هاشمی، سید مناف؛ طاهرخانی، حبیب‌الله؛ بصیرت، میثم؛ (۱۳۹۰). نظام مدیریت شهری در برنامه پنجم توسعه کشور، تهران، نشر شهر.

Beall, J. (2001). "Valuing Social Resources or Capitalizing on Them? Limits to Pro-Poor Urban Governance in Nine Cities of the South" In: *International Planning Studies* 6 (4). Rutledge and Francis.

Dekker, K. and Kempen, R. (2004). "Urban Governance within the Big Cities Policy", *Journal of Cities*, Vol. 21, pp. 41-55.

Hickey, S. and Mohan, G. (2004). "Participation: From Tyranny to Transformation? Exploring New Approaches to Participation in Development", London: Zed Books.

Kakarala, S. (2004). "The Challenge of Democratic Empowerment: a Special Report on Civil Society Building", HIVOS-India.

Taylor, P. (2000). UNCHS (Habitat) - "the Global Campaign for Good Urban Governance", *Environment and Urbanization*, Vol. 12, No. 1.

tehran.ir/default.aspx?tabid=284.

UN-HABITAT (2002). *The Global Campaign on Urban Governance, Concept Paper, 2nd Edition*, Nairobi.